

تعارض زناشویی در زنان متأهل شهر همدان: نقش طرحواره های ناسازگار اولیه و

همجوشی شناختی

علی احمدی^۱، زهرا کرمی باغظیفونی^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۱۹-۱۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی پیش‌بینی نقش طرحواره های ناسازگار اولیه و همجوشی شناختی در تعارض زناشویی بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر همدان در سال ۱۴۰۳ بود. نمونه آماری مشتمل بر ۳۵۰ نفر از زنان متأهل شهرستان همدان بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند و به پرسشنامه‌های تعارض زناشویی، طرحواره های ناسازگار اولیه و همجوشی شناختی پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ضریب همبستگی و رگرسیون صورت گرفت. نتایج نشان داد بین همه طرحواره های ناسازگار اولیه و همجوشی شناختی با تعارض زناشویی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین گسلس با تعارض زناشویی همبستگی منفی معنادار وجود دارد؛ بنابراین، طرحواره های ناسازگار اولیه و همجوشی شناختی می‌توانند عامل مؤثری در تعارض زناشویی زوجین باشند.

واژگان کلیدی: تعارض زناشویی، طرحواره های ناسازگار اولیه، همجوشی شناختی.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۴۰۵

مقدمه

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در تمامی جوامع بشری به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود و بنای یک جامعه سالم را می‌توان در تقویت بنیه خانواده تضمین کرد. در این بین رابطه زناشویی اصلی مهم تلقی می‌شود. رابطه زناشویی به‌عنوان یکی از پایدارترین روابط بین فردی شناخته می‌شود و تأثیر آن بر افراد بیش از هر رابطه دیگر است (رئیس، محمدی، زارعی و بخاریان پور، ۱۳۹۷). کیفیت مثبت زناشویی و روابط شاد زوجین سلامتی جسمی و روانی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد و سازگاری زناشویی و شادکامی آن‌ها با بهزیستی جسمی و روانی خود و فرزندانشان همراه است. در این میان زنان در خانواده به‌واسطه دارا بودن نقش چندگانه خود به‌عنوان مادر و همسر از اهمیت اساسی برخوردار هستند و این موجب می‌شود تا زنان به‌عنوان ارکان اصلی هر خانواده‌ای شناخته شوند و رضایت از زندگی و شادکامی آن‌ها از اهمیت خاصی در خانواده برخوردار است؛ بنابراین شناسایی عوامل مؤثر در تعارض و یا سازگاری زناشویی و برداشتن هرگونه گام مثبتی در جهت بهبود تقویت سازگاری و رضایت زوجین به‌ویژه زنان از اهمیت خاصی برخوردار است (زارع میرک آباد، یار احمدیان و شاه رضایی، ۱۴۰۰). تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، اختلاف در خواسته‌ها، طحاره‌های رفتاری و رفتار غیرمستولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (رتبرگ، هاسونگ و چاسین^۱، ۲۰۱۷). هوشمندی، احمدی و کیامنش (۱۳۹۹) مطالعه‌ای در رابطه با مقایسه علل تعارضات زناشویی در سه دهه اخیر انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که بین زوج‌های متعارض مزدوج شده در سه دهه اخیر، از لحاظ عامل‌های عدم‌حمایت و مراقبت، سرخوردگی، مشکلات اقتصادی و شغلی، ساختار قدرت، عدم جذابیت، نارضایتی جنسی، مشکلات مربوط به روابط عاطفی قبلی، مشکلات شخصیتی و رفتاری تفاوت معنی‌دار وجود دارد. برخی از عوامل تعارضات زناشویی تابعی از شرایط زمانی است، لذا شناسایی فهرست و سهم این عوامل در هر دهه در کنترل و پیشگیری از تعارضات زناشویی مؤثر است. عوامل مختلفی از جمله شرایط محیطی و ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند زمینه نارضایتی و تعارض زوجین در زندگی زناشویی را فراهم کنند و با آن رابطه داشته باشند. یکی از مؤلفه‌هایی که در تعارضات زناشویی نقش دارد، طحاره‌های ناسازگار اولیه است.

درواقع یکی از موضوعاتی که باعث تعارض دائمی در فضای خانواده می‌شود، طحاره‌های ناسازگار اولیه می‌باشد. مطابق پژوهش‌های انجام شده، طحاره‌ها در حیطه‌های مختلف زندگی تأثیر می‌گذارند و یکی از این حیطه‌ها، روابط مخصوصاً در زندگی زناشویی است. طحاره‌های ناسازگار اولیه به ریشه اعتقادات منفی عمیق در مورد خود، دیگران و جهان اشاره دارند که ممکن است در طی سال‌های اول زندگی پرورش یافته باشد (ویرگیل زیگلر و هایل^۲، ۲۰۱۱). طحاره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند که این نیازها عبارت‌اند: از دل‌بستگی ایمن به دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشنداری (یانگ و گلووسکی^۳، ۱۹۹۷). رضایت در روابط نزدیک و دوستانه فقط زمانی دیده می‌شود که هم نیازهای رشدی به‌طور مقتضی برآورده شده باشند و هم نیازهای بزرگسالی ارضا شوند، چون هر یک از زوجین علاوه بر طحاره‌هایی که با خود به رابطه می‌آورند در ارتباط فعلی خود نیز طحاره‌هایی را به وجود می‌آورند که خاص این رابطه هستند

¹ Rothenberg, Hussong & Chassin

² Virgil Zeigler-Hillet

³ Young & Gluhoski

(داتیلوا و بیرشک، ۱۳۸۵)، یعنی زمانی که نیازها ارضا نشوند ممکن است طرحواره های ناسازگار خاصی ایجاد شوند که بر روابط صمیمانه اثر می‌گذارند (شباهنگ، باقری شیخا نگفشه، نجاتی، موسوی، رضازاده، ۱۳۸۵). طرحواره ها در عمیق‌ترین سطح شناخت، معمولاً بیرون از سطح آگاهی عمل می‌کنند و فرد را به لحاظ روان‌شناختی نسبت به ایجاد آشفتگی‌هایی چون اضطراب، افسردگی، سوء مصرف مواد، ارتباطات ناکارآمد و اختلالات روان‌تنی آسیب‌زیر می‌سازند.

یاکین، گنسوز، استینبرگ و آرنتز^۱ (۲۰۱۹) معتقدند طرحواره‌هایی که عمدتاً در نتیجه تجارب دردناک دوران کودکی شکل می‌گیرند ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیت باشند. این طرحواره‌ها، بنیادهای شناختی فرد را شکل می‌دهند و قادرند رفتارهای فرد را شکل داده و به آن سمت‌وسو دهند، بنابراین می‌توان بین این طرحواره‌ها به‌عنوان بخش بنیادین شناخته‌ای افراد که در دوره‌های تحولی رشد شکل‌گرفته‌اند، با رفتارهای ناسازگارانه در مقاطع بعدی، رابطه برقرار نمود. اتکینسون و پریس^۲ (۲۰۲۰) در کتاب خود با عنوان طرحواره درمانی برای زوجین به این موضوع می‌پردازد که کمک به زوج‌ها برای ایجاد و حفظ دلبستگی‌های پایدار و صمیمی، سنگ بنای طرحواره درمانی است. این کتاب یک رویکرد درمانی را توصیف می‌کند که بر شکستن چرخه‌های حالت منفی (الگوهای مقابله‌ای ناکارآمد بین همسران) و طرح‌واره‌های ناسازگار اساسی تمرکز دارد تا نیازهای عاطفی اصلی هر دو همسر را برآورده کند. همچنین با توجه به پژوهش مقتدر و حلاج (۱۳۹۴) که بر روی ۱۰۳ نفر از زنان دارای تعارض زناشویی که به دادگاه‌های خانواده مراجعه کرده بودند با ۱۰۳ نفر از زنان بدون تعارض زناشویی مقایسه شدند، نتایج نشان داد بین دو گروه متغیرها ناگویی هیجانی، شادکامی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه تفاوت وجود دارد و با توجه به تفاوت گروه‌های مطالعه در متغیرهای ناگویی هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توان به آگاهی دادن به زوج‌ها برای اقدام به کاهش این متغیرها، موجبات کاهش تعارضات زناشویی را فراهم کرد. در مطالعه مروزی ایکن^۳ (۲۰۱۷) که بر روی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در روابط عاشقانه به انجام رساند نتایج نشان داد که در روابط عاشقانه موقعیت‌های مهمی وجود دارد که وقتی طرحواره‌ها تحریک می‌شوند یا شیمی طرحواره باعث ایجاد احساسات شدید می‌شود ظاهر می‌گردد. طرحواره درمانی این‌چنین لحظاتی را به‌عنوان نقطه مداخله‌ای برای کاهش شدت طرحواره و ایجاد یک رابطه آگاهانه متقابل در نظر می‌گیرد. در این مرحله از مداخله فرد شروع به بررسی وجود نقش خاصی که همیشه در روابط دارد و طرحواره‌های فعالی که دارد، تعاملات طرحواره محور و دستاوردهای ثانویه‌ای که این تطابق برای هر دو فراهم می‌کند، می‌نماید؛ و برای خودش و شریک زندگی‌اش آگاهی طرحواره‌ای که از طریق این بازجویی‌ها به دست می‌آید به فرد اجازه می‌دهد تا عوامل مؤثر در رابطه‌شان را بهتر درک کند (استیونز و رودیگر^۴، ۲۰۱۷). در نتیجه، طرحواره‌های ناسازگار اولیه باعث می‌شود که فرد نیاز به حمایت عاطفی را برآورده نکند و تا زمانی که از طرح‌واره‌های خودآگاه نباشد، قادر به یافتن راه‌حل سالم نیست؛ بنابراین از اطلاعات ارائه‌شده می‌توان گفت که حرکت در طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مسائل رابطه‌ای، درک سیستماتیک ساختار عاطفی، شناختی و رفتاری را ممکن می‌سازد و تصور می‌شود که استفاده از طرحواره درمانی در مفهوم‌سازی و درمان مشکلات روابط عاشقانه سودمند خواهد بود.

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر زندگی زناشویی بر اساس دیدگاه هیز (۲۰۰۴) همجوشی شناختی است. همجوشی نوعی تحریف شناختی است که از باورهای غیرمنطقی افرادی تشکیل می‌شوند که دچار سوء تفاهم بین فکر و عمل شده‌اند،

¹ Yakin, Gençöz, Steenbergen & Arntz

² Atkinson, Perris

³ Eken

⁴ Stevens & Roediger

بدین صورت که فرد به گونه ایی با افکارش درگیر می شود که روی رفتارش، تأثیر مستقیم می گذارد و او را از دیدن واقعیت عمل محروم می کند (گیلاندرز، آشلیق، مارگارت و کریستن^۱، ۲۰۱۵)؛ و زمانی که فرد دچار همجوشی می شود، به دو حالت در برابر افکارش واکنش نشان می دهد، یا با افکارش می جنگد و از آن اجتناب می کند یا رفتارش را با افکارش وفق می دهد که نتیجه آن این گونه می شود که فرد پس از مدتی کشمکش های ذهنی، این افکار را به عنوان تفسیر درست تلقی می کند و دیگر قادر به واکنش مناسب به وقایع متفاوت نیست (هیز، ۲۰۰۴). همجوشی شناختی در روابط زناشویی می تواند به چندین ویژگی بالینی شامل اضطراب، احساسات و هیجانات، تمایز ضعیف، سبک های دل بستگی نادرست و مکانیسم های مقابله ای و عدم بینش مربوط شوکه اگر در یک طیف نرمال باشد، برای رابطه مفید و سالم است در غیر این صورت همجوشی شدید برای رابطه مضر و منجر به درگیری و آشفتگی در زوجین می شود که ممکن است نیازمند مداخله بالینی باشد (شنی ویند و گرهارد^۲، ۲۰۰۲). فردی با یک پیشینه طولانی از عدم تأیید در روابط بین فردی، شاید نتواند هرگز این فکر " کسی مرا دوست ندارد" را حذف نماید، اما اگر قادر باشد از آن فکر گسلیده شود، آن فکر منجر به رفتارهای انزوایی و در نتیجه بدتر شدن افسردگی نمی شود. هدف گسلش این است تا به مراجع کمک نماید که ویژگی های پنهان زبان را که به همجوشی منجر می گردند را شناسایی نموده تا بتواند بین فکر و فکر کننده فاصله ایجاد نماید و رویدادهای درونی را آن طور که هستند، ببیند که فرایند پذیرش بهتر را منجر می گردد (هیز و لیلیس^۳، ۲۰۱۲). برنت (۲۰۱۲)؛ به نقل از زارع، (۱۳۹۳) معتقد است که همجوشی شناختی از طیف همجوشی زیاد به گسلش شناختی اتفاق می افتد برای مثال: من افسرده ام (بسیار هم جوش)، من احساس می کنم افسرده ام (تا حدودی همجوش)، من در حال افسرده شدن هستم (کمی همجوش)، من در حال حاضر حس را تجربه کردم که معمولاً به آن افسردگی اطلاق می شود (گسلش شناختی).

با توجه به اینکه در داخل کشور هنوز پژوهش های مکفی و متمرکز با موضوع ارتباط طرحواره های ناسازگار اولیه و همجوشی شناختی در تعارض زناشویی انجام نشده و با در نظر گرفتن نرخ بالای طلاق در جمعیت ایرانی و مشکلات ناشی از آن می تواند هزینه های بالایی را به کشور در زمینه سلامت و بهداشت روان تحمیل کند، مطالعه مکانیسم هایی که بتواند به درمانگران و پژوهشگران در این زمینه کمک کند اهمیت بسزایی دارد. از این رو، هدف از انجام این پژوهش پیش بینی تعارض زناشویی از طریق طرحواره های ناسازگار اولیه و همجوشی شناختی در زنان متأهل شهرستان همدان بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع و اهداف پژوهش، از لحاظ ماهیت و روش بکار رفته از نوع توصیفی - همبستگی و از نظر هدف از نوع کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر متشکل از تمامی زنان متأهل شهر همدان در سال ۱۴۰۳ بود که به یکی از مراکز مشاوره سطح شهر مراجعه نمودند. با توجه به تعداد متغیرهای پژوهش تعداد ۲۵۰ شرکت کننده کفایت می کند ولی برای اطمینان از کفایت نمونه و احتمال ریزش و همچنین داده های پرت حجم نمونه پژوهش حاضر ۳۵۰ نفر در نظر گرفته شد که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند که با حذف پرسشنامه های ناقص، تعداد ۳۰۸ پرسشنامه به تحلیل نهایی رسید. برای جمع آوری اطلاعات پژوهش حاضر، ابتدا مجوز لازم برای اجرای پرسشنامه ها از دانشگاه پیام نور اخذ شد. جهت اجرای پژوهش به مراکز مشاوره سطح شهر همدان مراجعه خواهد شد و از زنان متأهل که تمایل به شرکت در این پژوهش را داشتند

¹. Gillanders, Ashleigh, Margaret & Kirsten

². Schneewind & Gerhard

³. Hayes & Lillis

ارزیابی به عمل آمد و به جهت اخلاقی پرسشنامه‌ها بدون نام بود و اطلاعات به صورت کلی گزارش شد. بعد از اتمام پرسشنامه‌ها، داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS به وسیله آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون تحلیل شد. برای جمع‌آوری اطلاعات و اندازه‌گیری متغیرها از سه پرسشنامه زیر استفاده شد.

پرسشنامه تعارض زناشویی. پرسشنامه تعارضات زناشویی یک ابزار ۴۲ سؤالی است که برای سنجیدن تعارضات زن و شوهری و بر مبنای تجربیات بالینی ثنائی (۱۳۷۹) ساخته شده است. این پرسشنامه هشت بعد از تعارضات را می‌سنجد که عبارت‌اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ و برای ۸ خرده مقیاس آن کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱، کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹ به دست آمد. همچنین این پرسشنامه از روایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب سؤالات، هیچ سؤالی حذف نشد (ثنائی، ۱۳۷۹).

پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. این پرسشنامه خودگزارش‌دهی به اندازه‌گیری ۱۵ طرح‌واره ناسازگار اولیه می‌پردازد و توسط یانگ (۱۹۹۸) ساخته شده است. هر طرح‌واره دارای ۵ سوال است و در مجموع پرسشنامه ۷۵ سوالی می‌باشد که در یک مقیاس طیف لیکرت ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. (کاملاً درست=۶، تقریباً درست=۵، اندکی درست=۴، بیشتر درست است تا غلط=۳، تقریباً غلط=۲، کاملاً غلط=۱). پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ۵ حوزه را در برمی‌گیرد: بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت مندی و گوش‌به‌زنگ بیش‌ازحد و بازداری. ضرایب آلفای کرونباخ را از ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ برای هر طرح‌واره به دست آوردند و همچنین ضریب بازآزمایی در جمعیت غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ گزارش شد. آهی، محمدی فر و بشارت (۱۳۸۶) در پژوهشی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یانگ را در نمونه‌ای شامل ۲۸۷ دانشجویان دانشگاه‌های تهران مورد بررسی قرار دادند. ضرایب آلفای کرونباخ از ۰/۷۲ تا ۰/۹۰ نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب مقیاس‌ها را نشان می‌دهد و نتایج پایایی بازآزمایی نیز در دو نوبت به فاصله چهار هفته پایایی ۰/۶۹ تا ۰/۸۳ برای طرح‌واره‌ها را نشان داد.

پرسشنامه همجوشی شناختی. این پرسشنامه را گیلاندرز و همکاران (۲۰۱۰؛ به نقل از زارع، ۱۳۹۳) ارائه دادند که حاوی ۱۳ سوال است که دارای دو زیر مقیاس همجوشی و گسلش می‌باشد و بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت تنظیم گردیده است. زارع (۱۳۹۳) جهت هنجاریابی پرسشنامه مذکور، ۳۷۹ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور و سنتی را مورد آزمون قرار داد. نتایج حاکی از این بود که این پرسشنامه از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار می‌باشد، به نحوی که ضریب آلفای کرونباخ برای دو خرده مقیاس همجوشی و گسلش به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۵ به دست آمد.

یافته‌ها

در این مطالعه بیشترین افراد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی (۱۲۹ نفر) و کمترین افراد زیر دیپلم (۷ نفر) بودند. در این مطالعه بیشترین افراد بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان (۱۱۱ نفر) و کمترین افراد زیر ۵ میلیون (۸ نفر) درآمد داشتند. میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۷/۸۹ سال ($sd = 7/64$ ، دامنه = ۲۲-۵۹) و میانگین مدت تأهل ۱۰/۱۷ ($sd = 7/19$ ، دامنه = ۱-۳۵) بود.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در شرکت‌کنندگان

متغیر	میانگین	انحراف معیار
بریدگی و طرد	۳۳/۶۰	۱۲/۲۹
خودگردانی و عملکرد مختل	۲۴/۱۰	۴/۸۸
محدودیت‌های مختل	۲۴/۵۷	۴/۲۷
دیگر جهت مندی	۲۴/۰۵	۴/۸۷
گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد	۲۸/۱۹	۴/۶۷
همجوشی	۲۸/۰۳	۵/۱۰
گسلش	۱۰/۶۴	۲/۸۱
تعارض زناشویی	۱۴۶/۵۲	۳۹/۹۶

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در ادامه ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. بریدگی و طرد	۱							
۲. خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۲۲**	۱						
۳. محدودیت‌های مختل	۰/۱۸**	۰/۳۵**	۱					
۴. دیگر جهت مندی	۰/۱۹**	۰/۳۰**	۰/۳۳**	۱				
۵. گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد	۰/۲۹**	۰/۲۲**	۰/۴۰**	۰/۱۸**	۱			
۶. همجوشی	۰/۳۳**	۰/۱۵**	۰/۱۲*	۰/۱۰	۰/۱۲*	۱		
۷. گسلش	-۰/۱۳*	-۰/۱۰	-۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۰۶	-۰/۲۳**	۱	
۸. تعارض زناشویی	۰/۵۶**	۰/۳۶**	۰/۱۹**	۰/۱۶**	۰/۲۰**	۰/۳۴**	-۰/۴۲**	۱

بر اساس نتایج جدول فوق، بین تعارض زناشویی و بریدگی و طرد ($r = 0/56$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($r = 0/36$)، محدودیت‌های مختل ($r = 0/19$)، دیگر جهت مندی ($r = 0/16$)، گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد ($r = 0/20$) و همجوشی ($r = 0/34$) در سطح $0/01$ همبستگی مثبت معنادار و با گسلش ($r = -0/42$) در سطح $0/01$ همبستگی منفی معنادار وجود دارد. در ادامه جهت بررسی نقش پیش‌بین همجوشی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در تعارض زناشویی از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده گردید. پیش از تحلیل جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید و با توجه به این‌که هیچ‌کدام از متغیرها معنادار نبودند، لذا می‌توان گفت توزیع داده‌ها نرمال است. برای بررسی استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر از پیش تعیین‌شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر به‌عنوان پیش‌فرض رگرسیون از آزمون دوربین واتسون بررسی گردید و مقدار آن برابر با $1/78$ به دست آمد که مطلوب است، چرا که این آماره چنانچه بین $1/5$ تا $2/5$ قرار بگیرد، عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می‌شود. لذا شرایط برای اجرای تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مهیا می‌باشد، که نتایج مربوط به آن در جدول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون تعارض زناشویی بر متغیرهای پیش‌بین

گام	مدل	SS	df	MS	F	p	R	R ²
۱	رگرسیون	۱۵۵۰۹۵/۲۷	۱	۱۵۵۰۹۵/۲۷	۱۴۱/۶۳	۰/۰۰۱	۰/۵۶۲	۰/۳۱۶
	باقیمانده	۳۳۵۰۸۹/۴۲	۳۰۶	۱۰۹۵/۰۶				
۲	رگرسیون	۲۱۱۲۳۷/۱۷	۲	۱۰۶۳۶۸/۵۸	۱۱۶/۹۳	۰/۰۰۱	۰/۶۵۹	۰/۴۳۴
	باقیمانده	۲۲۷۴۴۷/۷۲	۳۰۵	۹۰۹/۶۷				
۳	رگرسیون	۲۳۴۶۶۸/۱۱	۳	۷۸۲۲۲/۷۰	۹۳/۰۷	۰/۰۰۱	۰/۶۹۲	۰/۴۷۹
	باقیمانده	۲۵۵۵۱۶/۷۷	۳۰۴	۸۴۰/۵۲				
۴	رگرسیون	۲۴۴۵۳۶/۷۴	۴	۶۰۶۳۴/۱۹	۷۴/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۷۰۳	۰/۴۹۵
	باقیمانده	۲۴۷۶۴۸/۱۴	۳۰۳	۸۱۷/۳۲				

گام ۱. متغیر پیش‌بین: بریدگی

گام ۲. متغیر پیش‌بین: بریدگی، گسلس

گام ۳. متغیر پیش‌بین: بریدگی، گسلس، خودگردانی

گام ۴. متغیر پیش‌بین: بریدگی، گسلس، خودگردانی، همجوشی

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت در تعارض زناشویی از روی متغیرهای پیش‌بین، مجموع متغیرهای پیش‌بین $R^2 = ۰/۴۹۵$ از واریانس متغیر ملاک را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند، یعنی متغیرهای پیش‌بین حدود ۵۰ درصد نمره تعارض زناشویی را تبیین می‌کنند. میزان F مشاهده شده برای متغیرهای پیش‌بین در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که این چهار متغیر به صورت معناداری قادر به پیش‌بینی زناشویی هستند. در جدول ۴ نیز ضرایب رگرسیون استاندارد نشده و استاندارد شده و بررسی معناداری این ضرایب گزارش شده‌اند.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون گام به گام تعارض زناشویی روی متغیرهای پیش‌بین

متغیرها شاخص‌ها	B	خطای استاندارد	B	t	سطح معناداری
بریدگی	۱/۷۹۹	۰/۱۵۱	۰/۵۶۲	۱۱/۹۰۱	۰/۰۰۱
گسلس	-۴/۹۱۵	۰/۶۱۷	-۰/۳۴۶	-۷/۹۶۰	۰/۰۰۱
خودگردانی	۱/۷۸۳	۰/۳۴۹	۰/۴۱۸	۵/۱۰۸	۰/۰۰۱
همجوشی	۱/۰۴۷	۰/۳۳۷	۰/۱۳۲	۳/۱۰۳	۰/۰۰۲

با توجه به جدول ۴-۱۳، اثر بریدگی ($\beta = ۱/۷۹۹$)، گسلس ($\beta = -۴/۹۱۵$)، خودگردانی ($\beta = ۱/۷۸۳$) و همجوشی ($\beta = ۱/۰۴۷$) بر پیش‌بینی تعارض زناشویی معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که بین همه طرحواره‌های ناسازگار و تعارض زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. نتایج این مطالعه به با یافته‌های پژوهش مقتدر و حلاج (۱۳۹۴)، یاکین و همکاران (۲۰۱۹) اتکینسون و پریس (۲۰۲۰) همسو می‌باشد. می‌توان گفت طرح‌واره‌ها دارای مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری هستند. هنگامی که طرح‌واره‌های ناسازگار فعال می‌شوند، سطوحی از هیجان منتشر می‌شود و مستقیم یا غیرمستقیم منجر به اشکال مختلفی از آشفتگی‌های روان‌شناختی نظیر افسردگی، اضطراب، عدم توانایی شغلی، تعارضات بین فردی و مانند آن می‌شود (سامرز، ماتنی و کوگل، ۲۰۱۷). طرح‌واره‌های ناسازگار مستقیماً منجر به اختلال خاصی نمی‌شوند؛ اما آسیب‌پذیری فرد را در برابر اختلالات افزایش می‌دهند. در نتیجه، پرورش در محیط تنش‌زا و نامناسب سبب عدم توانایی فرد در تنظیم هیجان‌ات و در نهایت پریشانی روان‌شناختی و عدم تحمل پریشانی می‌شود، این عدم تحمل پریشانی بر روی فرآیندهای خودتنظیمی، ارزیابی شناختی و وضعیت جسمانی یا هیجانی پریشان‌آور اثر می‌گذارد. در نتیجه فرد دائماً به صورت وسواسی در تلاش برای دوری از احساسات منفی، افکار تحریف‌شده و پریشان‌کننده خود

¹ Summers, Matheny & Cogle

است (سیمونز، سیستاد، سیمونز و هانسن^۱، ۲۰۱۸). وجود این طرحواره‌ها در دوران بزرگسالی، باعث مقابله با مشکلات در راه‌های ناسازگارانه می‌شود و تهدیدی برای سلامت روان افراد به شمار می‌رود. فعال شدن طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه منجر به ارزیابی منفی رویدادها و تعبیر محرک‌ها به صورت منفی و تهدیدآمیز می‌شود و به افزایش پریشانی روان‌شناختی در افراد منجر می‌شود (پنلی و توماسکا^۲، ۲۰۰۲). همچنین می‌توان گفت طرحواره‌ها بیشتر خود را در جریان رابطه نشان می‌دهند و باعث تأثیر درکنش وری رابطه می‌شوند. نظر به اهمیت خانواده به عنوان خاستگاه طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توان انتظار داشت که روابط زناشویی، فضایی برای بازنمایی این طرحواره‌ها می‌باشند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند، این سوگیری در آسیب‌شناسی روانی به صورت نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوءبرداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی تأثیر می‌گذارند، زیرا طرحواره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و در چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران (به‌ویژه شریک زندگی) تأثیر دارند از آنجاکه طرحواره‌ها ناکارآمدند، ناخشنودی در روابط را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند (پاسکال، کریستین و جین^۳، ۲۰۰۸). وجود دیدگاه‌های بدبینانه، نظیر اینکه دیگران مرا درک نمی‌کنند، نزدیکان از من حمایت نمی‌کنند، یا عقیده به اینکه دیگران مرا آزار می‌دهند و به من دروغ می‌گویند و یا احساس اینکه من شخصی شکست‌خورده هستم، همگی موجب فراوانی هیجانات منفی شده و منجر به کاهش توان شخص برای سازگاری با شریک زندگی‌اش می‌شود و در نهایت موجب تعارضات زناشویی و کاهش رضایت از زندگی می‌شود. همچنین نتایج نشان داد بین و همجوشی و تعارض زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی مثبت معنادار و بین گسلس و تعارض زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی منفی معنادار وجود دارد. نتایج این مطالعه با پژوهش صمدی فرد (۱۳۹۴) مطابقت دارد. به باور هایز (۲۰۰۴)، پذیرش افکار به عنوان افکار، احساسات به عنوان احساسات و هیجانات - همان‌گونه که هستند، نه بیشتر و نه کمتر - منجر به تضعیف همجوشی‌های شناختی می‌شود و در کنار آن، پذیرش رویدادهای درونی، هنگامی که شخص در جدال با پریشانی‌ها و آشفتگی‌های خود نیست، به وی اجازه توسعه خزانه رفتاری‌اش را می‌دهد و می‌تواند از زمانی که بدین ترتیب به دست می‌آورد برای انجام فعالیت‌های ارزشمند خود استفاده کند و خود را به یک زندگی ارزشمند و هدفمند متعهد سازد و بدین ترتیب یکی از ابعاد مهم کیفیت زندگی یعنی بعد معنوی نیز بهبود می‌یابد. گیلاندرز، سینکلر، مک لین و جاردین^۴ (۲۰۱۵) با بررسی شناخت‌های معیوب، همجوشی شناختی و اجتناب در پیش‌بینی پریشانی و کیفیت زندگی، نشان دادند که همجوشی شناختی، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده کیفیت زندگی می‌باشد. نامدارپور، فاتحی زاده، بهرامی و محمدی فشارکی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مقوله‌های اصلی نشخوار فکری زنان دارای تعارضات زناشویی شامل عوامل استرس‌زا (مشکلات جنسی، مشکلات مالی و شغلی، انتظارات برآورده نشده، ناکامی، تفاوت‌های شخصیتی، تفاوت‌های ارزشی و تفاوت‌های خانوادگی (ویژگی‌های فردی) روان رنجوری، عدم مهارت‌های ارتباطی و اعتمادبه‌نفس پایین و ویژگی‌های همسر (کنترل‌گری، پاسخگو نبودن، ویژگی‌های سخت داشتن و نفوذناپذیر بودن) می‌باشند. همچنین می‌توان گفت زوجینی که از انعطاف‌پذیری شناختی کمی برخوردار هستند، در درک حالات ذهنی و عوامل زمینه‌ساز رفتار همسر خود ناتوان بوده و به قدری در افکار خود غوطه‌ور هستند که توانایی درک عمیق حالات و تصمیمات همسرشان را نداشته و فرد مقابل نیز که تصور می‌کند از جانب همسرش کاملاً درک و پذیرفته نشده است، واکنش‌های منفی نشان داده و این منجر به شکل‌گیری چرخه‌ای از تعاملات منفی و تشدید انعطاف‌ناپذیری

1. Simons, Sistad, Simons & Hansen

2. Penley & Tomaka

3. Pascal, Christine & Jean

4. Gillanders, Sinclair, MacLean & Jardine

شناختی می‌شود. علاوه بر این، از آنجاکه همجوشی شناختی، منجر به شکل‌گیری تصویری تغییرناپذیر از همسر می‌شود، هرگونه تلاش فرد مقابل برای ایجاد تغییرات نیز توسط همسرش ادراک نشده و این منجر به تداوم چرخه تعاملات منفی می‌شود. سرانجام نتایج نشان داد اثر بریدگی، گسلس، خودگردانی و همجوشی بر تعارض زناشویی اثرگذار است. باید گفت که طرح‌واره‌های بریدگی و خودگردانی ساختارهایی جهت بازیابی مفاهیم کلی ذخیره‌شده در حافظه و یا مجموعه‌ای سازمان‌یافته از اطلاعات، باورها و فرض‌هاست که در فعال شدن تفسیرها و باورهای منفی نقش دارد (رضوانی، وزیری، و لطفی کاشانی، ۱۳۹۸). طرح‌واره‌ها دارای مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری هستند. هنگامی که طرح‌واره‌های ناسازگار فعال می‌شوند، سطوحی از هیجان منتشر می‌شود و مستقیم یا غیرمستقیم منجر به اشکال مختلفی از آشفتگی‌های روان‌شناختی نظیر افسردگی، اضطراب، عدم توانایی شغلی، تعارضات بین‌فردی و مانند آن می‌شود (سامرز، ماتنی و کوگل^۱، ۲۰۱۷). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، قدیمی‌ترین مؤلفه‌های شناختی هستند و حتی گاهی اوقات پیش از آن که کودک زبان را بیاموزد شکل می‌گیرند و اغلب نفوذ خود را بر سیستم پردازش داده‌ها، در زیر آستانه هوشیاری اعمال می‌کنند. طرح‌واره‌ها، ساختارهای دائمی سیستم شناختی هستند که به‌عنوان صافی و کلیشه، در خالص کردن تجربه فرد از دنیا عمل می‌کنند و فرد را در سازمان‌دهی رفتارش یاری می‌دهند. به نظر می‌رسد طرح‌واره‌هایی که با وابستگی و نقص مرتبط هستند، بیشتر در میان افراد افسرده و طرح‌واره‌هایی که مرتبط با حوزه آسیب‌پذیری نسبت به صدمه یا بیماری هستند، اغلب در افرادی که اضطراب دارند وجود داشته باشد (یانگ و لانگ، ۲۰۰۷). از آنجاکه همجوشی شناختی، منجر به شکل‌گیری تصویری تغییرناپذیر از همسر می‌شود، هرگونه تلاش فرد مقابل برای ایجاد تغییرات نیز توسط همسرش ادراک نشده و این منجر به تداوم چرخه تعاملات منفی می‌شود (هیش و چناگر، ۲۰۱۷). به‌طورکلی یافته‌های پژوهش حاضر در سطح نظری می‌تواند با شناخت بهتر عوامل تأثیرگذار بر تعارض زناشویی، به گسترش دانش، مفاهیم و مدل‌های موجود در این زمینه کمک کنند و راهگشای پژوهش‌های جدیدتر به منظور گسترش دانش روان‌شناختی باشند. در سطح عملی، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند دیدگاهی امیدبخش و پیشگیرانه نسبت به معضل طلاق باشد و مبنای تجربی مناسبی برای تدوین برنامه‌های پیشگیرانه به حساب آید. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای مشاوران خانواده مفید باشد و از طریق آموزش انواع طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تعدیل همجوشی برای زوج‌ها و تأثیر آن‌ها در زندگی، میزان سازگاری زناشویی آن‌ها را بالا برده، تعارضات را کاهش داده و زوج‌ها را در پیدا کردن مسیر درست زندگی یاری نمایند.

¹ Summers, Matheny & Cogle

منابع

- آهی، قاسم؛ محمدی فر، محمدعلی و بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۶). پایایی و اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های یانگ. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۷(۳)، ۲۰-۵.
- ثنائی، باقر. (۱۳۷۹). *مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج*. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- رئیس، سیدجمال؛ محمدی، کوروش و زارعی اقبال، سمانه. (۱۳۹۷). اثربخشی و مقایسه زوج‌درمانی هیجان مدار و رویکرد تصمیم‌گیری مجدد بر افزایش ابعاد تاب‌آوری زنان متأهل. *پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲۷(۶)، ۳۳-۵۲.
- زارع، حسین. (۱۳۹۳). هنجاریابی مقیاس اجتماعی همجوشی شناختی گیلاتنדרز بر اساس الگوی بوهرنستات. *فصلنامه پژوهش های روان‌شناسی اجتماعی*، ۴(۱۵)، ۱۷-۲۸.
- زارع میرک آباد، اعظم؛ یار احمدیان، نسرين و شاه رضایی، سمانه. (۱۴۰۰). تدوین بسته آموزش شادکامی اسلامی و بررسی اثربخشی آن بر نشاط ذهنی و عواطف مثبت و منفی در زنان دارای تعارض زناشویی. *نهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*، تهران.
- شاهنگ، رضا؛ باقری شیخانگش، فرزین؛ نجاتی، زهرا و موسوی، سیدولی اله. (۱۳۹۷). نقش طرحواره های ناسازگار اولیه و حمایت اجتماعی در پیش‌بینی تعارضات زناشویی. *همایش ملی روان‌شناسی و سلامت با محوریت خانواده و زندگی سالم*، شیراز.
- مقتدر، لیلا و حلاج، لیلا. (۱۳۹۷). مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه، ناگویی هیجانی و شادکامی در زنان با و بدون تعارضات زناشویی. *مجله بالینی پرستاری و مامایی*، ۲۷(۲)، ۱۳۸-۱۴۵.
- نامدارپور، فهیمه، فاتحیزاده، مریم، بهرامی، فاطمه و محمدی فشارکی، رحمت الله. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر در نشخوار فکری زنان دارای تعارضات زناشویی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۷(۶۷)، ۱۵۳-۱۲۴.
- هوشمندی، رودابه؛ احمدی، خدابخش و کیامنش، علیرضا. (۱۳۹۹). مقایسه علل تعارضات زناشویی در سه دهه اخیر. *سیک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۴(۲)، ۷۲-۸۱.
- Atkinson, T., & Perris, P. (2020). *Schema Therapy for couples: Interventions to promote secure connections*. In *Creative Methods in Schema Therapy* (pp. 210-224). Routledge.
- Eken, E. (2017). The Role of Early Maladaptive Schemas Romantic Relationships. *International Journal of Social Sciences*, 3(3), 103-123.
- Gillanders, D. T., Sinclair, A. K., MacLean, M. & Jardine, K. (2015). Illness cognitions, cognitive fusion, avoidance and self-compassion as predictors of distress and quality of life in a heterogeneous sample of adults, after cancer. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 4(4), 300-311.
- Hayes, S. C. (2004). Acceptance and commitment therapy, relational frame theory, and the third wave of behavior therapy. *Behavior Therapy*, 35(4), 639-665.
- Hayes, S.C., & Lillis, J. (2012). *Acceptance and Commitment Therapy*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2008). Development and validation of the Cognitive Inventory of Subjective Distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 23, 1175-1182.
- Penley, J. A., & Tomaka, J. (2002). Associations among the Big Five, emotional responses, and coping with acute stress. *Personality and individual differences*, 32(7), 1215-1228.
- Rothenberg, W. A., Hussong, A. M., & Chassin, L. (2017). Modeling trajectories of adolescent-perceived family conflict: Effects of marital dissatisfaction and parental alcoholism. *Journal of Research on Adolescence*, 27(1), 105-121
- Schneewind, K. A., & Gerhard, A. K. (2002). Relationship personality, conflict resolution, and marital satisfaction in the first 5 years of marriage. *Family Relations*, 51(1), 63-71.
- Stevens, B. A., & Roediger, E. (2017). *Attraction, Romance, and Schema Chemistry. Breaking Negative Relationship Patterns: A Schema Therapy Self-help and Support Book*. Wiley-Blackwell Press.
- Summers, B. J., Matheny, N. L., Cogle, J. R. (2017). 'Not just right' experiences and incompleteness in body dysmorphic disorder. *Psychiatry Research*, 247, 200-207.
- Virgil Zeigler-Hill, V. Z., Green, B., Arnau, R. C., Sismore, T. B., & Myers, E.M. (2011). Trouble ahead trouble behind Narcissism and early Maladaptive Schemas. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 42, 96-103.
- Yakın, D., Gençöz, T., Steenbergen, L., & Arntz, A. (2019). An integrative perspective on the interplay between early maladaptive schemas and mental health: The role of self-compassion and emotion regulation. *Journal of clinical psychology*, 75(6), 1098-1113.
- Young, J. E. & Gluhoski, V. (1997). *A Schema- focused perspective on satisfaction in close relationships* (pp. 356-381). New York : The Guildford Press.
- Young, M E., & Long, L L. (2007). *Counseling and therapy for couples*. (SW 393R 15-Couples Counseling) 2nd Edition. Belmont, CA, US: Thomson Brooks/Cole Publishing Co